



سید مهدی طالبی، پژوهشگر حوزه بین‌الملل

آمریکا قصد دارد با ادعای احیای قطعه‌نامه‌های پیشین شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران، خطوط تجارت دریایی تهران را ناامن کند.
استاد واشنگتن اقدام کشور های اروپایی حاضر در برجام در فعال‌سازی مکانیسم موسوم به ماشه است.
غرب مدعی است دولت‌ها با ظن وجود مواد هسته‌ای در کشتی‌های ایرانی می‌توانند آن‌ها را بازرسی و یا توقیف کنند.

در همین حال شبکه المیادین که به محور مقاومت نزدیک است، به نقل از منابع خود گزارش داده مقاومت نشانه‌هایی مشاهده کرده‌که حکایت از آماده‌شدن آمریکا برای ممانعت با اخلاص در حرکت کشتی‌های تجاری متعلق به ایران به بهانه اجرای تحریم‌ها دارد.
منابع ایرانی به این شبکه گفته‌اند هرگونه تلاشی در این خصوص با پاسخ سخت تهران روبه‌رو می‌شود.
این منابع تأکید کرده‌اند به کشور های منطقه اطلاع داده‌شده‌است که همکاری آن‌ها در این زمینه با واشنگتن بی‌پاسخ نمی‌ماند.

گسترده‌کردن خطر تهدید علیه خطوط تجارت دریایی ایران آن‌هم در آب‌های منطقه یا نزدیک به آن در حالی است که برای ده‌ها، مسدودسازی تنگه هرمز و اقدام در خلیج فارس، گزینه‌ای ایرانی بوده‌است.

برخی مسائل تألیف‌آوری دشمن را بالا برده و همچنین آن‌ها را به خطای محاسباتی انداخته است. اگر در گذشته ایران تنها امکان مسدود کردن تنگه هرمز و اقدام در خلیج فارس را داشت، امروزه تعداد تنگه‌ها و دریاهای تحت اشراف مقاومت بالاتر رفته است. علاوه بر خلیج فارس، دریای خزر، دریای سیاه، دریای عمان، اقیانوس هند، خلیج عدن، سواحل شرق آفریقا، تنگه باب‌المندب، ورودی‌های کانال سوئز و دریای مدیترانه در تیررس مقاومت قرار دارند. از سوی دیگر، مسئله صرفاً محدود به زیرساخت‌های انرژی یا دریاها نیست. مقاومت قادر به نابودی زیرساخت‌هایی فراتر از انرژی بوده‌می‌تواند مسیرهای هوایی و کریدورهای زمینی را نیز مسدود کند.
غرب محاسبات خود را بر اساس دوره اول هرمز با طرح «هرمز ۱» ایران انجام داده، درحالی‌که امروزه در دومین دوره هرمز قرار داریم و طرح «هرمز ۲» پیش رو قرار دارد؛ طرحی که نامش را از گذشته وام گرفته اما آینده را فراتر از آب‌های نزدیک به ایران می‌سازد.

طرح هرمز۱ چه بود؟

با کشف نفت در غرب آسیا و اهمیت یافتن جهانی خلیج فارس با منابع دریایی و زمینی آن به هم‌راه نفش‌که به‌عنوان پایانه‌صادراتی ایفا می‌کرد، تنگه هرمز اهمیت مضاعفی یافت. در ادامه دو باحای نسبی حکومت و استقلال ایران که با وقوع انقلاب اسلامی به اوج رسید، تهران از حضور خود در منطقه و اشراف بر خلیج فارس به عنوان عامل بازدارنده و تعادل بخش در روابط خارجی خود بهره برد.
قدرت‌های فرامنطقه‌ای و برخی دولت‌های منطقه‌ای از تحولات داخلی ایران ناخشنود بودند؛ اما به دلیل قدرت درونی و توانایی تحرک تهران در جنوب، می‌دانستند اعمال فشار های نهایی باعث واکنش در خلیج فارس خواهد شد.

نخستین تحرکات برای آزار تهران در سال‌های اولیه انقلاب و در حین جنگ تحمیلی صدام علیه ایران رخ داد. در جنگ نفتکش‌ها و به طور کلی جنگ انرژی، عراق به نفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی ایران حمله می‌کرد تا با قطع صادرات، تأمین مالی

بازی نخ‌نمای اروپاییان در قبال دهلی‌نو

پیمان تجارت آزاد یا تلهٔ راهبردی؟!

درست در شرایطی که فشارهای پنهان و آشکار دولت آمریکا بر دهلی‌نو با هدف جلوگیری از خرید نفت روسیه توسط هند ادامه دارد، اتحادیه اروپا به صورت گله‌گانی به یاد تعمیق روابط اقتصادی و تجاری خود با قدرت اقتصادی دوم شرق آسیا افتاده است! طی روزهای اخیر اتحادیه اروپا پیشنهادهای وسوسه‌انگیزی را به دهلی‌نو در خصوص سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه‌های گوناگون و خلق برخی بسترها و ساختارهای همسان تجاری-اعتباری داده است. کمیسیون اروپا به دستورکار راهبردی جدیدی را برای همکاری با هند ارائه کرده تا اتحادیه اروپا بتواند روابط تجاری و امنیتی خود را با پرجمعیت‌ترین دموکراسی جهان تقویت کند. با وجود این، روابط دیرینه هند با روسیه همچنان نقطه اختلاف میان دو طرف است. به راستی مسئله از چه قرار است؟ آیا قرار است اتحادیه اروپا به نایب‌انژ آمریکا، هند را وارد به توقف خرید نفت از روسیه کند یا واقعاً اروپاییان درصدد جبران خسارات ناشی از جنگ تعرفه‌ای آمریکا از طریق تعمیق و تشدید همکاری‌های اقتصادی خود با دهلی‌نو هستند؟ چگونه می‌توان میان این دو مقوله تفکیک و تمایز قائل شد؟

ماجرای انعقاد توافق تجارت آزاد میان هند و اروپا

اصل مسئله معروف به هدف‌گذاری اروپاییان مبنی بر انعقاد یک پیمان گسترده تجاری با هند (در قالب پیمان تجارت آزاد) است. منطقه یورو انگیزه‌های زیادی برای انعقاد این پیمان دارد. بر اساس آنچه شبکه یورونیوز گزارش داده، با حجم ۱۲۰ میلیارد یورو مبادلات دوجانبه کالا، اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین شریک تجاری هند است.
۶ هزار شرکت اروپایی در هند فعالیت می‌کنند و برای تقویت این رابطه، کمیسیون اروپا خواهان نهایی‌سازی یک توافق تجارت آزاد تا پایان سال است؛ توافقی که می‌تواند به‌طور چشمگیری تعرفه‌ها و دیگر موانع را کاهش دهد.
اصل ماجرا از این قرار است که اروپاییان از یک‌سو به ظرفیت اقتصادی هند برای جبران مافات ناشی از وضع تعرفه‌های آمریکا بر کالا‌های خود نیازمندند و از سسوی دیگر، مراودات خاص اقتصادی روسیه و هند (خصوصاً خرید نفت روسیه از سوی هند) تبدیل به مانعی در این مسیر شده‌است.
پاسخ این ابهامات، درست‌درست در همین نقطه نهفته است؛ اگر اتحادیه اروپا توقف خرید نفت روسیه توسط هند را پیش‌شرط انعقاد پیمان تجارت آزاد قرار داده یا حتی دهلی‌نو را در این خصوص تحت فشار قرار دهد، در آن صورت به جای یک پیمان تجارت آزاد، شاهد خلق یک تله راهبردی علیه هند از سوی اروپاییان هستیم.
این تله راهبردی، با هدف خنثی‌سازی مناسبات تجاری مستقیم و گسترده روسیه و هند است. این مناسبات نه تنها به صورت دوجانبه و مستقیم، بلکه در بطن پیمان‌های بریکس و شانگهای نیز نمود ویژه‌ای یافته و منجر به نارضایتی مطلق آمریکا و نارضایتی نسبی اتحادیه اروپا شده است.

اروپا خود نیز متضرر شده است

صورت مسئله تا حدود زیادی گویاست. پس از آنکه روابط تجاری اتحادیه اروپا با ایالات متحده به‌دنبال اعمال تعرفه میانگین ۱۵ درصدی آسیب دید، این اتحادیه اکنون در تلاش است تا روند انعقاد توافق‌ها با دیگر مناطق را شتاب بخشد.
با توجه به پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی موجود، اتحادیه اروپا اکنون نگاهش را به هند معطوف کرده است؛ کشوری که امروز پرجمعیت‌ترین

در صورت گستاخی آمریکا در آب‌های منطقه، ایران چه گزینه‌هایی دارد

کشتی در برابر کشتی

قوای نظامی را محدود کند. عراقی‌ها می‌دانستند به دلیل عبور نفتکش‌هایشان از مقابل سواحل ایران، آن‌ها در معرض خطر حتمی قرار می‌گیرند. برای جلوگیری از ایسن اتفاق، دولت عراق در هماهنگی بین المللی و منطقه‌ای، نفت خود را با نفتکش‌های متعلق به کشور های دیگر حمل می‌کرد. یکی از این کشور ها کویت بود. نفتکش‌های کویتی معموله‌ها را نه به عنوان نفت عراق، بلکه به عنوان نفت کویت حمل می‌کردند تا ایران فرصت حمله مشرو ع و متقابل را پیدا نکنند.

از سوی دیگر شورسوی و سپس آمریکا با تهدید و متهم کردن ایران به گسترش جنگ، ادعای می‌کردند ایران حق حمله به نفتکش‌های دیگران را ندارد؛ درحالی‌که برخی از آن‌ها نفت عراق را حمل می‌کردند. با تمام مخاطرات، حملاتی علیه این نفتکش‌ها انجام‌شد و نه تنها پایانه‌های نفتی عراق مورد حمله متقابل قرار گرفتند، بلکه پایانه‌های نفتی کویت که در انتقال نفت به صدام کمک می‌کردند نیز شاهد گسترش سایه تهدید پس از دریافت موشک‌های کروز چینی توسط تهران بودند. عراق برای حمله به نفتکش‌ها به جنگنده میراژ اف-۱ و یالگرو دسو پرفر یلئون متکی بود که از موشک‌های ضدکشتی «اکروسه» استفاده می‌کردند. هرسه مورد ساخت فرانسه بودند.

در مقابل ایران برای مدت‌ها تنها از قایق‌های معمولی به‌رمی پروروز مندگان با استفاده از راکت ضددره او بی‌چی، راکت‌های غیرهدایت‌شونده مینی کاتوشا و دوشکا، کشتی‌های غول پیکر دشمن را هدف می‌گرفتند. میزان تسلیحات دو طرف برابر بود؛ اما در برابر انزوای ساحلی عراق در خلیج فارس، ایران دارای گستره وسیعی بود و با استقرار در تمام ساحل شمالی بر رفت‌وآمدها اشراف داشت. موقعیت ایران باعث شده بود علی‌رغم شکاف عمیق تسلیحاتی میان طرفین، حملاتش مؤثر شوند. پس از مدتی ایران با دریافت تعداد کمی موشک کروز ضدکشتی با نام «کرم ابریشم» از چین موفق شد توانمندی حملات دقیق و از راه دور در دریا و همچنین به مناطق ساحلی را کسب کند.

ایران در برابر کشتی‌های دشمن نه به طور کامل، بلکه به شکل نسبی دست به اعمال محدودیت بر کشتیرانی دشمن زد تا تأکید کند، طرف‌های مقابل قادر به محاصره ایران از مسیر تهدید خطوط دریایی و قطع جریان نفتش نیستند. برای مدت‌ها اشراف بر خلیج فارس با توجه به اهمیتش در بازار انرژی و اقتصاد، به ایران اجازه داد از موقعیت ژئوپلیتیکی رای‌های مهار تحرکات دشمن استفاده کند. در اولین دوره هرمز با طرح «هرمز ۱» محدوده جغرافیایی به خلیج فارس و تنگه هرمز محدود می‌شد و حملات حتی پس از ده‌ها متکی بر قایق‌های تندرو باقی ماندند. در این دیدگاه‌ستی، هدف اصلی نفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی بودند، اما این‌ابناشت سلاح‌ها، دیدگیری میادین انرژی و کشتی‌های حامل کالا به‌طور گسترده امکان‌پذیر شدند.

تحولات در طرف مقابل

طرف‌های مقابل در چنددهه اخیر با افزایش قدرت خود تحولاتی را رقم‌زدند که باید به بررسی آن‌ها پرداخت. هم‌زمان با اقدامات دشمن، ایران نیز برای جلوگیری از اثرگذاری قطعی برنامه‌ریزی طرف مقابل، طرح‌هایی را به اجرا درآورد است. در این بخش برنامه‌ریزی‌های دشمن برای مقابله با دوره «هرمز ۱» بررسی شده‌اند. در این میان تحولاتی خارج از طرح‌ریزی‌های دشمن هم رخ داده‌اند.

- با کشیده‌شدن درگیری‌ها به خلیج فارس طی جنگ تحمیلی ۸ ساله، آمریکا که تا پیش از این حضور نظامی دائمی چنان‌دی در منطقه به‌شکل استقرار یگان‌های

عملیاتی نداشت، با نیروی دریایی، استقرار دائم خود را از نظر عملیاتی کلید زد. در طول دهه ۱۹۸۰ میلادی ناوگان دریایی پنجم آمریکادر منطقه، به مرکزیت پایگاه بحرن شکل گرفت. این حضور اما به‌مرور توسعه یافت و آمریکا برای اخراج صدام از کویت، حضور زمینی و هوایی خود در منطقه را آغاز کرده و تداوم بخشید. اوج اثرگذاری این قوا، اشغال افغانستان و بعد عراق بود. آمریکا همچنان استقرار نظامی خود در عراق را حفظ و آن‌را به‌سوریه گسترش داده است. از این رو حضور نظامی کنونی آمریکا در منطقه با دهه ۱۹۸۰ میلادی قابل مقایسه نیست و امروزه واشنگتن حضور عملیاتی سنگینی دارد.

برخی دولت‌های حاشیه‌خوبی خلیج فارس در دهه ۱۹۷۰ میلادی تأسیس شدند و تقو یشان زمان‌بر بود. آمریکا در این مدت حجم عظیمی از تسلیحات دفاعی و تهاجمی پیشرفته را در اختیار این دولت‌ها قرار داده است. بعضی از این سلاح‌ها توسط مستشاران خارجی مورد بهره‌برداری قرار گرفته و در صورت جنگ و بروز ناآنوائی در ارتش‌ها، آمریکا و غرب می‌توانند از این سلاح‌ها به‌طور مستقیم برای عملیات استفاده کنند.

در دهه‌های گذشته آمریکا واردکننده اصلی انرژی در جهان و از خلیج فارس بود. امروزه اما سهم نسبی این کشور با افزایش مصرف چین و قدرت‌های نو ظهور کاهش یافته است. هم‌زمان با این کاهش نسبی دو اتفاق دیگر وابستگی آمریکا را کاهش داده‌اند؛ انقلاب صنعت‌شیل که باعث استحصال از منابع نامتعارف نفت و گاز ششده و دیگری تأمین عمده واردات از منابع خارج از خلیج فارس. آمریکا برای واردات بر کانادا و مکزیک در آمریکای شمالی، برزیل در آمریکای لاتین، نیجریه و آنگولا و دیگر تأمین‌کنندگان در غرب آفریقا اتکا دارد. آمریکا همچنان دارای منافع عمده‌ای در بازار انرژی خلیج فارس است، اما تحولات رخ داده تا حدی از وابستگی قبلی کاسته‌اند.

تغییرات در جبهه ایران ودوره «هرمز-۲»

به موازات تحولاتی که در طرف مقابل رخ داده، در جبهه ایران نیز تغییراتی مشاهده می‌شود که به شرح ذیل هستند.

محور مقاومت در جنگ تحمیلی ۸ ساله وجود نداشت و بعدها به‌مرور تشکیل و تثبیت شد. در آن دوره از لحاظ سرزمینی تنها خاک ایران برای اقدام در دسترس بود. در حال حاضر، عراق، لبنان، یمن و کشورهای دیگر شاهد گسترش مقاومت بوده‌اند. این وضعیت به محور مقاومت اجازه می‌دهد حتی با سلاح‌های قدیمی و سساده پیشین، مانند قایق‌ها علیه دشمن عملیات کند؛ در دریای سرخ قایق‌های یمنی در فقدان به کارگیری موشک‌های ضدکشتی قادر به اقدام هستند.

توسعه تسلیحات دقیق و دور برد حملات از مرکز به دور دست را ممکن ساخته‌اند. محور مقاومت با این سلاح‌ها می‌تواند به مناطقی که خارج از اشراف ساحلی هستند، حمله کند. تهاجمات موفق یمن به کشتی‌های دشمن در شمال اقیانوس هند و موارد متنسب به ایران در همین منطقه، تأثیر چنین سلاح‌هایی را نشان می‌دهند. اگر اضلاع مقاومت تحت فشار قرار گیرند، علی‌رغم از دست رفتن مزیت جغرافیایی آن‌ها، ایران می‌تواند با سلاح‌های خود از مرکز اقدام کرده و دریاها را برای دشمن ناامن کند.

در گذشته هنگامی که ایران با دریافت موشک‌های کروز ضدکشتی موسوم به کرم ابریشم شاهد اتمام توان دریایی قابل ملاحظه‌ای بود، تعداد کم آن‌ها امکان

کاهش شدید محبوبیت اقتصادی جمهوری خواهان و ترامپ

آژیر زرد در کاخ سفید

دونالد ترامپ، در دوره‌های رقابت‌های انتخاباتی، خود را به‌عنوان ناجی اقتصاد آمریکا معرفی می‌کرد و در گذشته توانست با وعده‌های اقتصادی، نظر بسیاری از رأی‌دهندگان را به خود جلب کند. در رقابت‌های انتخاباتی سال گذشته، او برتری قابل توجهی نسبت به رقبای دموکرات خود، جو بایدن و کامالا هریس، در زمینه مسائل اقتصادی داشت. بسیاری از رأی‌دهندگان، ایده ریاست جمهوری ترامپ را با بهبود وضعیت اقتصادی گره می‌زدند. به عبارت بهتر، در رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۴ میلادی، جمهوری خواهان توانستند از ضعف فط اقتصادی دولت بایدن استفاده کنند و رأی‌دهندگان را مجاب سازند که تغییر حزب در رأس هرم قدرت، می‌تواند فرصت‌های اقتصادی بیشتری برای آن‌ها به همراه آورد. این فرمول انتخاباتی جواب دادا ترامپ بی‌رحمانه بر سیاست‌های اقتصادی دموکرات‌ها تاخت و تار و ایالات مهم و سرنوشت‌ساز (موسوم به ایالات کلیدی) را یکی پس از دیگری به خود و حزب متبوعش اختصاص داد.

نظرسنجی‌هایی که اکنون به سود ترامپ نیست

به نظر می‌رسد با گذشت ششست ماه از حضور ترامپ در هرم قدرت، اوضاع تغییر کرده است. نظرسنجی اخیر موسسه تحقیقاتی پوپ که بین ۲۲ تا ۲۸ سپتامبر روی ۳۴۴۵ بزرگسال آمریکایی انجام شده، نشان‌دهنده تغییری چشمگیر در نگرش عمومی نسبت به عملکرد اقتصادی ترامپ است. درحالی‌که هنوز بخش قابل توجهی از رأی‌دهندگان (به‌ویژه جمهوری خواهان، ممکن است به ترامپ وفادار باشند، اکثریت مردم (۵۳ درصد) معتقدند سیاست‌های او در واقع اقتصاد را بدتر کرده است. تنها ۲۴ درصد از پاسخ‌دهندگان بهبود وضعیت اقتصادی را به سیاست‌های ترامپ نسبت می‌دهند. این تغییر نگرش منعکس کننده رازیابی‌تری از وضعیت فعلی اقتصاد است. تنها ۲۶ درصد از کل پاسخ‌دهندگان، اقتصاد را عالی یا خوب توصیف می‌کنند. حتی در میان کسانی که خود را جمهوری خواه یا متمایل به جمهوری خواهان معرفی می‌کنند، این رقم به ۴۴ درصد می‌رسد که نشان‌دهنده شکافی حتی در پایگاه حمایتی ترامپ است. در مقابل، ۷۴ درصد از مردم، وضعیت اقتصاد راضعیف یااضعیف ارزیابی می‌کنند. البته این نظرسنجی به معنای اقبال شهروندان آمریکایی نیست به حزب دموکرات و سیاست‌های اقتصادی کلان آن نیست. بااین حال استمرار نارضایتی عمومی از سیاست‌های اقتصادی ترامپ می‌تواند ذهن رأی‌دهندگان را در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره (در سال ۲۰۲۶ میلادی) روی دیگر آلویت‌ها مانند سیاست خارجی و مسائل اجتماعی متمرکز سازد. تمرکز افکار عمومی آمریکا بر مؤلفه‌های غیراقتصادی چندان به‌سود جمهوری خواهان نیست تا ترامپ در این خصوص تجربه تلخی دارد؛ زمانی که باشایو ع وپروس کرونا اوضاع اقتصادی آمریکا و کسب‌وکارها تا اندازه زیادی برهم‌ریخت، رأی‌دهندگان (با وجود آگاهی نسبت به ضعف اقتصادی دموکرات‌ها) ترجیح دادند آن‌ها خود را به‌سود رقبای ترامپ به‌گرددش در آورند. این الگوی رأی‌دهی، در میان افراد مستقل نمود بیشتری داشت. بسیاری از کسانی که در ایالات سه‌گانه معروف (بنسلیولانیا-میشیگان-ویسکانسین) آرای خود را به‌سود بایدن به‌گرددش در آورده‌ند، معتقد بودند ترامپ دیگر مزیت خود مبنی بر مدیریت اقتصادی مطلوب در ایالات متحده از دست داده‌است. اکنون در دیگر چنین سسی در حال بازگشت به شهروندان آمریکایی است. اگرچه ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۸ میلادی

اقدامات را محدود می‌کرد. در آن دوره با این موشک‌ها علاوه بر هدف‌گیری نفتکش‌های می‌شدد صرفاً به پایانه‌های نفتی حمله کرد و یا با پرتاب تعداد کمی موشک، امیدوار بود یک میدان نفتی به آتش سوزی سرایت‌کننده دچار شود. در هر صورت حجم آتش ریخته شده بر سر دشمن اندک بود. در شرایط کنونی انبوه موشک‌های بالستیک، کروز و پهپادهای انتحاری با برد و دقت بالا امکان ریختن آتش برحجم بر سر دشمن را فراهم می‌کنند. انهدام آرامکو توسط یمنی‌ها که در مقطعی نیمی از تولید نفت عربستان سعودی را کاهش داد، تحول نظامی محور مقاومت را به‌تمامی طرف‌ها گوش‌زد کرد. عرصه دیگر این تحول مربوط به حملات زمینی است. در گذشته احتمال داشت در صورت وقوع جنگ منطقه‌ای قوای زمینی از ایران به دیگر مناطق یورش برند؛ اما درحال حاضر این مسئله شامل بخش‌های گسترده‌ای از منطقه می‌شود. در وضعیت جدید محور مقاومت می‌تواند علاوه بر به آتش کشیدن و انهدام کامل زیرساخت‌های انرژی، با توجه به وفور تسلیحات لازم، دیگر زیرساخت‌های دشمن را هم منهدم کند.

نکات

مجموعه نکات ذیل در باره اقدامات مسدودساز محور مقاومت و احتمال جنگ دریایی حائز اهمیت هستند.

بستن مسدودسازی مسیرهای دریایی به دفعات صورت گرفته اما به‌شکل نسبی بوده‌اند؛ این اتفاقات از نظر زمانی از جنگ تحمیلی ۸ ساله شروع شده و فراتر از تنگه هرمز نیز رخ داده‌اند. در قسمتی از این نبردهای مسدودساز دریایی، در صحنه جنگ طوفان الاقصی حملات ایرانی، لبنانی و یمنی به بندر حیفادر شمال و حملات ایرانی و یمنی به ناحیه بندری ابیات در جنوب سرزمین‌های اشغالی صورت گرفته‌اند.

بستن هرمز در طرح قدیمی مبتنی بر مسدودسازی دریایی بود، اما درحال حاضر شاهد محاصره هوایی رژیم صهیونی در حملات به فرودگاه‌های بن‌گورین و رامون هستیم؛ این دو فرودگاه تمام پروازهای مسافری بین‌المللی را پوشش می‌دهند. در جنگ طوفان الاقصی مسدودسازی زمینی نیز رخ داده‌است. عملیات ۷ اکتبر بخشی از کریدور ترکیبی آم‌ک را در بخش انتهایی هدف قرار داد. در طول جنگ چند مورد عملیات در گذرگاه‌های زمینی اردن ثبت ششده‌اند. پس از آنکه یمن مسیرهای تجاری به بندر ابیلات را زیر آتش برد، صهیونیست‌ها به‌عنوان مسیر جایگزین بار خود را در بندر امارات تخلیه کرده و به وسیله کامیون از طریق خاک‌عربستان و سپس اردن و از سرزمین‌های اشغالی می‌کردند. این مسائل نشان می‌دهد در دومین دوره هرمز یا «طرح هرمز ۲» در صورت بحران و مواجهه با طرح‌های جداگانه دشمن، محور مقاومت می‌تواند نسبت به طرح گذشته، در هوا و زمین نیز وارد اقدامات مسدودکننده برای محاصره دشمن شود.

طی جنگ ۸ ساله امکان توسعه فوری مقاومت به ورای ایران ممکن نبود و اساساً دو خط اول با عراق در حال جنگ بودیم. امروز امکان توسعه فوری به‌شمال، شاخ و تا حادی غرب آفریقا امکان‌پذیر است و زیرساخت‌های آماده فکری، اجتماعی، نظامی و امنیتی در این مناطق وجود دارد.

شرق نه به معنای ناتوانی و مقاومتی، بلکه در شکل حمایتی در کنار محور مقاومت حضور دارد. این درحالی است که در جنگ تحمیلی شوروی و آمریکا دورأس نظام دوقطبی در کنار عراق قرار گرفته بودند.

در صورت گستاخی آمریکا در آب‌های منطقه، ایران چه گزینه‌هایی دارد

فرماندهی نیروی دریایی آمریکا در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز

فرماندهی نیروی دریایی آمریکا در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز

فرماندهی نیروی دریایی آمریکا در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز

فرماندهی نیروی دریایی آمریکا در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز

به‌دلیل محدودیت‌های قانونی نمی‌تواند حضور پیدا کند، اما نارضایتی از عملکرد اقتصادی دولت قطعاً نقش به‌سزایی در روی گردانی شهروندان مستقل آمریکایی از افرادی مانند دی ونس یا روبیو خواهد داشت.

آمریکایی‌ها از چه چیزی دقیقاً ناراضی هستند؟

دلایل اصلی که مردم برای این ارزیابی ضعیف (از عملکرد اقتصادی دولت کنونی آمریکا) ذکر می‌کنند، عمدتاً به چالش‌های اقتصادی ملموس در زندگی روزمره مربوط می‌شود. تورم بالا (۱۷ درصد)، تعرفه‌ها (۱۲ درصد) و هزینه بالای زندگی (۹ درصد). این عوامل مستقیماً بر قدرت خرید و رفاه خانوارها تأثیر می‌گذارد و درک مردم از موفقیت اقتصادی را مشکل می‌دهند. نکته قابل توجه دیگر این است که ۱۶ درصد از پاسخ‌دهندگان، نگاه منفی به ترامپ (جمهوری خواهان را به‌عنوان یکی از دلایل ارزیابی ضعیف اقتصادی مطرح کرده‌اند که نشان می‌دهد مسائل سیاسی و شخصیتی نیز در این ارزیابی اقتصادی دخیلند. این ارقام تفاوت فاحشی با وضعیت در نوامبر ۲۰۱۸، در اواسط دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، دارند. در آن زمان، ۵۹ درصد از مردم اقتصاد را در وضعیت عالی یا خوب ارزیابی می‌کردند. این مقایسه نشان می‌دهد ادراک عمومی از عملکرد اقتصادی ترامپ، به‌شدت تحت تأثیر شرایط کنونی قرار گرفته و از دوران اوج خود فاصله گرفته است.

نقش تعطیلی دولت آمریکا

علاوه بر این، تعطیلی دولت که در اول اکتبر آغاز شد، به‌شدت بر افکار عمومی در مورد مقصران احتمالی تأثیر گذاشته است. نظرسنجی واشنگتن پست نشان داد ۴۷ درصد از بزرگسالان آمریکایی، ترامپ و جمهوری خواهان کنگره را مسئول این تعطیلی می‌دانند، درحالی‌که تنها ۳۰ درصد دموکرات‌ها را مقصر می‌دانند. این مسئله، به‌ویژه در میان رأی‌دهندگان مستقل که به‌طور قابل توجهی (۵۰ درصد در مقابل ۲۲ درصد) ترامپ و جمهوری خواهان را سرزنش می‌کنند، برجسته است، حتی در میان خودجمهوری خواهان، یک‌سوم یا مطمئن نبودند چه کسی را سرزنش کنند یا مستقیماً حزب خود را مقصر دانستند. رمزگشایی از این نظرسنجی چندان دشوار نیست؛ جمهوری خواهان بازی مقصر سازی در تعطیلی دولت فدرال را به دموکرات‌ها باخته‌اند. این درحالی است که ترامپ درصدد انتقادگیری از دموکرات‌ها و کاهش تعداد کارکنان دولت فدرال به بهانه تعطیلی دولت است. در مجموع، این داده‌ها نشان می‌دهند محبوبیت اقتصادی دونالد ترامپ، برخلاف گذشته، با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است. نگرانی‌های ملموس مردم در مورد تورم، هزینه بالای زندگی و تأثیر سیاست‌های تعرفه‌ای، هم‌راستا با نگرانی مسائل سیاسی و تعطیلی دولت، ادراک عمومی از عملکرد اقتصادی او را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده‌و از تصویر اولیه مطلوب فاصله گرفته‌است. این تغییر در افکار عمومی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر نتایج انتخابات آینده داشته باشد، زیرا اقتصاد همواره یکی از اولویت‌های اصلی رأی‌دهندگان آمریکایی بوده است. در صورتی که شهروندان آمریکایی نسبت به ضعف هر دو حزب سنتی آمریکا در عرصه اقتصاد مجاب شوند روی مؤلفه‌های دیگر تمرکز بیشتری خواهند کرد. تحقق این مسئله به سود جمهوری خواهان نخواهد بود. ترامپ تا نوامبر سال آینده میلادی (زمان برگزاری انتخابات میان‌دوره‌ای) فرصت دارد تا دیگر معادله را تغییر دهد، زیرا در غیر این صورت پیروزی با آودرهای را تقدیم دموکرات‌ها خواهد کرد.